

شاعری در جاپان

یوسته بگذشته

ترجمه علی اصغر خان

خوش بختانه در قرن هشتم ادیبان جاپان عمومی گشته و ظهور آن در مقابل عموم عملی گردید. چنانچه در کتاب معروف مینوشو «Ményasho» «مجموعه هزاران برگ» خیالات شعرای یوتا مانند اشعه خورشید تابان و چون شکوفه های درخت آلو تازمه و از وضعیت خمود کاملاً بیدار و با حرارت میباشد. ادبیات مملکت پهنادر چین خصوصاً خاندانهای سوئی Soci و تانگ Tagn با وجود آنهمه وسعت و کثرت انتشار روح شجاعت را از شاعری جاپان محو نساخته بلکه وضعیت او را در زندگی قدری اصلاح نموداگر شعرای مذکور بطرف ناحیه پست تنقیدات توجه میکردند البته از مشاهده مناظر قدرتی بصورت درستی استفاده نتوانسته و حس و جاهت پسندی بالکل از ایشان سلب میگردد. ادبیات جاپان بصورت عمومی خیلی با آهنگ و مهابت ملی را ترجمانی میکنند و این هم میرهن است که در صفحات تاریخ ادبیات بابتگ سلسله اختلافات ذهنی مواجعه میشود ولی بالمقابل عهد درخشان و طلائی مینوشو خاطرهای فراغوش ناشدنی را بهاندکار خواهد نمود.

محبت شاعری

اگر ما تصور ماضیه و سنوآت بسیار عتیقه یورپ را مطالعه کرده و کتب قدیمی و با آثار ادبی آن بر اعظم را تحت دقت بگیریم ملاحظه خواهیم نمود که سواد ادبیات و کتب یونانی ها و رومانی ها دیگر اثرات و بقایای مهمه ممالک مختلفه در آنجا وجود دارد ولی جاپانیها از اثر اختلاط و آمیزش تمام با مناظر قشنگ و زیبای کائنات

گاهی فرحت و انبساط زمانی حیرت و تأسف حس کرده و قانون مهم « غم و سرور » در مقابل همچه مناظر همیشه با ایشان مراقبت داشت یعنی جاپانیها صاحب روح بسیار حساسی بودند مادر مقابل تشکر و امتنان اجداد خودها کاملاً مقصر بم زیرا آنها کسانی بودند که حیات خودرا در آغوش زیبایی ووجاهت قشنگی های کائنات بسر برده و بزرگترین مادح و غزل سرای آنها بودند . آنها جهت احترام و محافظه همچه مقامات برای ما وصایا و نصائح مفیده نگذاشته و ما بافتخار تمام در مقابل او امر و نصایح ایشان مطیع و منقادیم . اگر شما گفتارم را حقیقت نهیندارید بایست بطرف حوادث قرون وسطی این مملکت متوجه گردید آن وقت ملاحظه خواهد کرد که خاندان های جنجی سیزو کی یا هیکی مونوگا تاری همه پهلوانان و مبارزین معرکه جدال بوده و آنها اغلباً شعر او موسیقی سرایان بودند . ما جاپانیها در زمانیکه مغرب با نهضت و سرعت تمامی بطرف شرق و غرب پویان بوده و بهر جانب وسعت می پذیرفتند و هر مملکت را در تحت نفوذ خود می گرفتند بهمان حالت سابقه خود با لکل آسوده و آرام غنوده و صرف نفاست ها و دل بائی های عالم را بنظر استحسن و محمدت مینگر بستیم هفتاد سال جلوتر در زمان اختلال ادبی واضطراب شاعری که از اثر نفوذ مغربیان بر روی کار آمده بود نمیدانستیم وضعیت خودرا چطور صورت اصلاح بخشیده و حالت خالصانه و مستقیم را بدست آریم . جای سوال باقی است ما چطور میتوانیم بر خلاف نفوذ و اثرات مغربها ادبیات خودرا مستقل و آزاد نگاه داریم ؟ قبلاً بیان کردیم اینکه ما خواهش نداریم در عالم ادبیات بکملت فراموش شده محسوب گشته و صاحب امتیاز کاملی نگردیم و عادتاً این راهم خوش نداریم که وضعیت بسیار با تراکت خودها را که هزاران سال قبل در محیط این مملکت رائج بود تبدیلی بخشیم

و با وجود این بایست اعتراف نمود که ادبیات این مملکت نسبت بسابق قدری متبدل گردیده است .

آری مردمان غرب باید بفهمند که در اقصای شرق جزیره وجود دارد که ادبیات آن بر طبق شعائر و خصائص هزار سال پیشتر ثابت و پایدار مانده و در حیات ادبی خودها از جمال و زیبایی کائنات و اصول نیکوتر زندگانی استفاده کاملی مینمایند . تاریخ بشر از ریکارد های سعود و نزول ، ارتقا و اضمه جلال ملن کاملاً مشحون است حوادث متنوعه در تمام ممالک عالم و ادوار مختلفه حکمروائی داشته زندگانی و اصول حیات فرزند انسان را نیز متحول و متنوع گردانیده است ولی جاپان تنها مملکتی است که در مقابل این همه تبدلات مقاومت کرده و عظمت گذشته را با عادات و اطوار سابقه کاملاً محفوظ نگاه داشته است . ما نمیگوئیم که صاحب اکیر و کیمیاوی اعظیم تا توسط آن جوانی و نبات خود را سالم نگاه داشته ایم و بلکه این الفاظ و نکات مخصوصه صرف از جهت سرفرازی و گردن فرازی راجع بادبیات و صنائع مملکت هم تحریر نیافته است .

ما جاپانیها فاقد قوای ابتکار و ایجاد بوده ایم و ما اند شعرای مغرب هیچگاه کوشش نکرده ایم که زندگانی و طریق گفتار خود را تبدیل دهیم مانده تنها ادبیات را بحیث يك فن تحت دقت میگیریم بلکه این صنعت مهم را بسیار ضروری و مهم تصور کرده و نخستین ذریعه اصلاح و اولین واسطه انتظام حیات اجتماعی و فردی تصور میکنیم و ما چون در مقابل شعر و شاعری عالی ترین مراسم و احترام و تعظیم را بجای آریم سبب اینست که میخواهیم حالت صاف و بی آرایش را جهت انتظام افکار و استراحت روح مالک گردیم . من نظریه عالییه شعرای مغربی را که در راه اصلاح حیات و انتظام زندگانی جدیت تمامی بخرج داده و طریق نیکوتری را به آنها می فهماند

به نظر تقدیر و احترام می نگریم و در مقابل شعرای مغرب صرف به نسبت تمسک و اتخاذ این نظریه مهم قوای ذهنیه خودهارا از دیگران با اهمیت و عالیت تصور میکنند ولی برای شاعر این هم خوب نیست که خودرا کاملاً بیکطرف کشانیده و از همه بیشتر بطرف ذهنیات توجه کند.

امروز برای ما لازم است که مسئله حیات و زندگانی را بخوبی تحلیل کرده و نتیجه اوقات و دقائق عمر عزیز خود را بدرستی بدانیم و چون معرفت و علم رو بترابد نهاد آنگاه با کمال درایت مقصد زندگانی را بدرستی فهمیده و بذریعه ادبیات آنرا بصورت نیکوتری اصلاح خواهیم کرد.

حیات لحظه بلحظه تبدیل و این لحظات لاتعداد و لانهی زندگانی را تشکیل میدهند و چون زندگانی مرکب از لحظات و لحظات آنرا فائزاً تبدیل و عارضی است ازین جهت ادبیات نیز متغیر و عارضی بوده به اقتضای مقام سرانیده شود گویا در حقیقت روح شاعری همین موقع شناسی است. مشاهده کوههای سرسبز، دریاهاى جاری درختهای قشنگ، ملاحظه باغهای متبسم و خندان، گلهاى مناظر قشنگ و دلربای ابرهای متشتت، رفتار خرامان ماه و روگیر بهای باز اکت او در عقب چادرهای سیاه و امثال همچو مظاهر طبیعی همه مختلف بوده در طبق آنها سرود شاعری نیز متغیر میگردد. هنگامیکه یکی از شعرای جاپان در موضوع باغ و باکلی چیزی میگوید گویا از تحولات و اختلافات حیات سخن میراند.

وضعیت شاعری «وارد سوارت» هنگامیکه از گل های نفیس داو دی و خشخاش و امثال آن تعریف کرده آنها را مرکز عالم قرار داده است با حالت شعرا و نقاشان جاپانی کاملاً مطابقت بهم میرساند. گویا چشم های او صرف صادقى و وجاهت را دیده و از آن نقطه نظر عالم را تکرر بسته است. ازین لحاظ است

که او با کمال صفائی و عدم آلابش غزل خود را سروده است میتوانیم که وارد سوارت را درین موقع در بین ادبیات انگلیند یکی از بزرگترین شعرای مشرق تصور کنیم. ادبیات جاپان خیلی ساده و در عین حال بسیار جدید و لامع است. شعرای جاپان در بین سکوت و خاموشی مطلق در مقابل چراغ درخشان زینت ووجاهت ساکت و آرام نشسته و از اثر انوار تابان ابن مصباح مشعشع راه رهائش وزندگانی را بخوبی مشاهده میکنند. در اطاقیکه بطرف مشرق جنکلات و غرب کوه ها موقیعت دارد سکوت و خاموشی سکونت داشته و چراغ ظلمت آنجا مشتعل گشته است. آری اینجا موضعی است که از صد ها سال باینطرف وضعیت آن متبدل نکرده بلکه بقرار نظریه آنها مسکن ارواح منور و حساس آنجا است. درین منزل معمائی ارتعاشات بزرگترین غزل و سرود هزار سال قبل استماع میگردد و این ارتعاشات با وضعیت حاضره جاپانیه حالت مخصوصی را بروی کار آورده و در اینجا است که خیالات جدید و قیمت دار دیگری از اثر انعکاس افکار گذشتگان برای آنها تولید میشود و این تصورات از حیات و زندگانی هم قیمت دار تر است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

